

چرا یک شرکت به IT نیاز دارد

آیا تا به حال به این فکر افتاده‌اید که یک متخصص IT چه قابلیت‌هایی برای شرکت‌ها خواهد داشت؟ اساساً مهارت‌های لازم برای یک کمپانی موفق در زمینه IT چیست؟



چرا یک شرکت به IT نیاز دارد

جام جم آنلاین: آیا تا به حال به این فکر افتاده‌اید که یک متخصص IT چه قابلیت‌هایی برای شرکت‌ها خواهد داشت؟ اساساً مهارت‌های لازم برای یک کمپانی موفق در زمینه IT چیست؟ برای پیدا کردن جواب این سوالات در ادامه مطلب به بررسی یک سری از این قابلیت‌ها خواهیم پرداخت.

همه مشاغل برای پردازش حساب‌های مالی‌شان به سیستم‌های رایانه‌ای نیاز دارند؛ البته بخش‌های دیگر نیز کم و بیش به سیستم‌های مشابه نیاز خواهد داشت.

پس از راه‌اندازی این سیستم‌ها در داخل شرکت، یک بانک اطلاعات مرکزی برای کل شرکت لازم است تا تمام داده‌های جابه‌جا شده ثبت شود و در صورت نیاز در اختیار کارمندان شرکت قرار گیرد.

البته در کنار این موارد تمام کارمندان شرکت نیاز دارند تا نحوه کار با برنامه‌های متداولی چون Word، نرم‌افزارهای دریافت و ارسال ایمیل، ویدئو کنفرانس‌های اینترنتی و سیستم‌های تلفنی آنلاین را بدانند.

در این میان، تمام شرکت‌ها نیاز دارند کل این اطلاعات را آنالیز و ذخیره کنند تا در صورت نیاز بتوانند آنها را مورد استفاده قرار دهند.

در حقیقت تفاوت شرکت‌های مختلف با هم در نحوه آنالیز این اطلاعات است؛ چرا که اگر این اطلاعات سازماندهی نشده بدرستی آنالیز نشوند، نمی‌توان آنها را مورد استفاده قرار داد.

البته باید اضافه کنیم که در تمام این مراحل، جمع‌آوری اطلاعات و آنالیز آنها به شرکت و نحوه طراحی سیستم‌های پردازش آن بستگی دارد.

پردازش اطلاعات در شرکت

این‌که اطلاعات به چه شکلی در داخل شرکت پردازش شود و این‌که کارمندان چگونه از این اطلاعات استفاده کنند، دو قطب متصل به هم است.

پردازش اطلاعات داخلی هر شرکت یک سری پروسه‌های پیوسته و متصل به هم است که به صورت واضح و مشخص داخل سیستم‌ها تعریف شده است البته این سیستم با در نظر گرفتن نتایج مورد نیاز کاربران طراحی شده است بنابراین تمام شرکت‌ها با توجه به گستردگی شرکت و نحوه تولید کالایشان، به چنین سیستم‌هایی نیاز خواهند داشت.

طراحی این سیستم‌های درون شرکتی به بیان یک سری از استانداردها نیاز دارد. البته این استانداردها به صورت کلی تعریف شده است و جزئیات آنها در هیچ شرکتی بیان نخواهد شد، به همین دلیل هر یک از کاربران برحسب شرایط موجود می‌توانند به صورت دلخواه این استانداردها را طراحی کنند.

ولی در کنار تمام این موارد، کاربران نیاز دارند تا نحوه کار با این سیستم‌ها را بخوبی یاد بگیرند و در صورت نیاز تمرین کنند؛ چرا که تمرین در حقیقت راهی است برای رسیدن به نتایج بسیار مناسب و مورد علاقه. در ضمن کاربران با انجام این کارها می‌توانند در رقابت با دیگر شرکت‌ها پیشی گرفته و بر آنها برتری پیدا کنند.

در حقیقت شرکت‌ها به سیستم‌های تبادل اطلاعات نیاز دارند تا IT را در شرکت‌شان اجرا کنند. بیشتر شرکت‌ها دقت زیادی در طراحی و اجرای این مدل از سیستم‌ها به کار می‌برند؛ برای مثال سیستم‌های پردازش درون شرکتی چون Lean، Six Sigma، Theory of Constraints و دیگر متدولوژی‌هایی از این دست برای استفاده همگان طراحی شده است.

علاوه بر اینها، سیستم‌های پردازش و تبادل اطلاعات دیاگرام‌هایی دارد که نحوه تبادل اطلاعات و جهت حرکت داده‌ها را به طور

مشخصی توضیح داده است.

بیشتر این سیستم‌ها به صورت object oriented طراحی شده که هدف اولیه و اصلی از طراحی آنها ارائه سرویس به تمام کاربران موجود در شرکت است. برای ایجاد یکپارچگی میان بخش‌های مختلف و تفکیک شده استانداردهایی توسط طراحان تعریف می‌شود که در پشتیبانی از نحوه جابه‌جایی اطلاعات کاربرد دارد.

در کنار این سیستم‌ها، شرکت‌ها باید سیستم‌های کنترل نحوه جابه‌جایی داده‌ها و مدیریت این تبادل را نیز در شرکت راه‌اندازی کنند.

البته باید اضافه کنیم که تئوری خاصی برای نحوه ساختار کلی شرکت‌ها وجود ندارد، حتی هیچ متدولوژی تعریف شده‌ای برای سیستم‌های درون سازمانی طراحی نشده است. به عبارتی شرکت‌ها این سیستم‌های از پیش طراحی شده را بر حسب نیاز مورد استفاده قرار دهند.

مدیریت پروژه

مدیریت پروژه یکی از مهم‌ترین کارهایی است که هر شرکتی می‌تواند انجام دهد؛ به بیان دیگر تفاوت شرکت‌های خوب و بد در نحوه مدیریت پروژه آنهاست. البته این حیطه مدیریت پروژه، نحوه مدیریت نرم‌افزارها و متدولوژی درون شرکتی را نیز شامل می‌شود.

مدیریت پروژه دارای دو شاخه مهم و اساسی است؛ شاخه اول شامل پروسه مدیریت پروژه است و دومین شاخه دربردارنده تمرین‌های بسیار برای مدیریت درست و بهینه یک پروژه. مشکل اینجاست خیلی از مدیران که مسوولیت اصلی آنها توسعه، پشتیبانی و آموزش متدولوژی‌های مدیریت پروژه است، تفاوت اساسی این دو شاخه را تشخیص نمی‌دهند.

باید اضافه کنیم که یک مدیر پروژه موفق تفاوت بین این دو پروسه را بخوبی می‌داند، به همین دلیل در چگونگی عملکرد خود دقت لازم را می‌تواند به کار گیرد.

پس از این مرحله، نحوه طراحی داده‌ها قرار دارد. هر پروژه مجموعه‌ای از کارهای طبقه‌بندی شده است. البته این باعث راحتی کار در مرکز داده‌هاست، چرا که براساس همین رتبه‌بندی‌ها شما می‌توانید جابه‌جایی اطلاعات را برنامه‌ریزی کنید.

چرا یک شرکت به IT نیاز دارد؟

راه‌اندازی سیستم‌های مدیریت پروژه در شرکت‌ها کمک بزرگی در زمینه اجرا و راه‌اندازی پروژه‌ها به حساب می‌آید. به طور مثال برخی سیستم‌ها مانند COTS یا سیستم‌های بازرگانی سازمانی و SaaS یا نرم‌افزارهای سرویس‌دهنده می‌توانند با ارائه یک سری از استانداردها به انجام کارهای مدیریت شرکت کمک کنند.

علاوه بر سیستم‌های ذکر شده یک سری از سیستم‌های مدیریتی که مخصوص کارهای بازرگانی طراحی شده‌اند و سیستم‌های فروش برای بخش عرضه محصولات نیز می‌توانند به تمام کمپانی‌ها در زمینه انجام فعالیت‌هایشان خدمات فوق‌العاده مناسبی ارائه کنند.

با تمام این تفاسیر، اشکال پیاده‌سازی این مدل از سیستم‌ها زمانی است که ریز سیستم‌های نصب شده در قسمت‌های مختلف شرکت، هماهنگ نباشند.

مثلا هر نرم‌افزاری به طور مجزا کار خود را بدرستی انجام دهد، ولی با نرم‌افزارهای دیگر نتواند هماهنگ شود و اطلاعات را جابه‌جا کند.

علاوه بر اینها تعداد کمی از شرکت‌ها، نرم‌افزارهای مدیریت پروژه‌شان را هماهنگ با دیگر سیستم‌های موجود در داخل شرکت نصب می‌کنند.

یکی دیگر از نکات بسیار مهم پیاده‌سازی این مدل از سیستم‌ها دقت به هماهنگ‌بودن سیستم‌های مختلف درون شرکتی با یکدیگر است.

یک شرکت موفق نیاز دارد تا در بخش‌های مختلف خود نرم‌افزارهایی نصب کند که با دیگر نرم‌افزارها همخوانی داشته باشد.

الهام اندرابی

